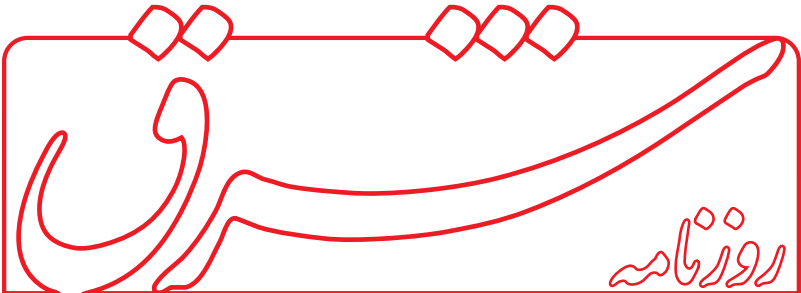




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۵۴۳۹۰ نامبر: ۰۲۱-۸۸۸۰۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۱۴۳۳
توزیع شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۰۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ گل‌ریز تلفن: ۰۵-۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۲ اذان مغرب ۱۷:۵۸ اذان صبح فردا ۴:۴۲ طلوع آفتاب ۶:۰۵



دوشنبه ۱۵مهر ۱۳۹۲ | اول ذی الحجه ۱۴۳۴ | ۱۷ اکتبر ۲۰۱۳ | سال یازدهم | شماره ۱۸۵۱ | ۱۶صفحه

انتشار اثری از «ناباکوف» با ترجمه «فرزانه طاهری»

ایسنا: «فرزانه طاهری» از پایان ترجمه «درس گفتارهای ولادیمیر ناباکوف» درباره ادبیات اروپا خبر داد. این مترجم گفت: ترجمه درس گفتارهای ناباکوف به پایان رسیده و هم‌اکنون در مرحله نمونه‌خوانی است. حجم کتاب «درس گفتارهایی از ناباکوف درباره ادبیات اروپا» حدود ۴۰۰ صفحه است و شامل درس گفتارهای این نویسنده در نیمه اول قرن بیستم می‌شود که او در دانشگاهی در آمریکا درباره نویسندگانی چون جین آستین، جیمز جویس، گوستاو فلوربر، مارسل پروست، چارلز دیکنز و... گفته است.



از هر نظری ضرر

آسیب‌شناسی روز بدون طلاق



پوریو عالمی

● امروز هیچ طلایی ثبت نمی‌شود. (ایسنا) معاون فرهنگی و تربیتی وزارت ورزش و جوانان با اعلام این خبر گفت: امروز «روز بدون طلاق» نامیده شده است.

بهبودی

طرح طلای به‌صورت زوج و فرد انجام خواهد شد. سهمیه هر فرد برای طلاق، در سال یک مرتبه است.

در دادگاه

- به روز دیگه می‌تونی دوام بگیری؟
- نه... نه... چرا؟ آخه چرا؟
- فقط یک روز. چون امروز «روز بدون طلاق» است.
- نه آقای قاضی، این بالا چرا باید سر من بیایید؟ (نه... نه... لاپ)

تعدد ازدواج

- چرا هی ازدواج می‌کنی؟ چرا هی زن روی زن می‌گیری؟
- خب چی کار کنم؟ نمی‌گذارند طلای بگیریم که امار طلاق بیاید پایین، از آن‌رو هی وام ازدواج می‌دهند چه کنم؟

نظر حکیمانه

من بیشتر از اینکه مخالف ازدواج باشم، موافق طلاق هستم. چون تسوی ازدواج طرف نمی‌داند برای چی می‌خواهد ازدواج کند و هی آسمان رنسان می‌یافتد. اما موقع طلاق، طرف دوتا دلیل می‌آورد، متقاعد می‌شوی و دهانت بسته می‌ماند.

جمع‌بندی ۱

با لباس سفید به خانه بخت بروید، اگر این لباس اندازه‌تان نبود، دیگر شانس ندارید، باید با کفن سفید از آن خانه بیرون بیایید.

جمع‌بندی ۲

چرا داریم برای ازدواج سیاه‌نمایی می‌کنیم؟ آیا ریشه در کودکی‌مان دارد؟ نه بالا غریبه که نیستید! همین الان که این حرف‌ها را زدید، یک اس‌ام‌اس فرستادیم برای خانوم بچه‌ها، که به جان خودت، امروز از من یک چیزی چاب می‌شود، شوخی کردم. پانثوی بروی درخواست بدهی‌ها. (اصلا بود. امروز روز بدون طلاق است. تیرش می‌خورد به سنگ)

سامسونگ

SAMSUNG

بیش از ۴۰ روزنامه در تلویزیون شما

75F8880



فقط با ضمانت سامسونگ
مرکز تماس: ۰۲۱-۸۲۵۵۰۰ سرویس

SMART TV

کیوسک روزنامه



SAMSUNG

کافه

نظر

وقتی هنر به یاری کودکان می‌شتابد

شرق، عسل عباسیان: هنوز مدت زیادی از زلزله دلخراش آذربایجان نگذشته. همگی خوب در خاطرم‌ان هست که هنرمندان حوزه‌های مختلف و به‌ویژه سینماگران جلوتر برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی پیشقدم شدند که اقدام باعث توجه بیش از پیش افکار عمومی به آن حادثه ناگوار شد. البته این اقدام مثبت پیشینه تاریخی هم دارد چنان‌که در یاد داریم «غلامرضا تختی» برای کمک به زلزله‌زدگان بوئین‌زهرها همین کار را انجام داد. همین دو، سه روز پیش در همین صفحه، خبر برگزاری نمایشگاه آثار هنرمندان حوزه سینما و تجسمی به‌نفع کودکان محروم «بنیاد کودک» منتشر شده؛ نمایشگاهی که از پنجشنبه گذشته شروع شده و تا فردا ساعت ۱۷ در خیابان سپه‌رودی شمالی، خیابان خرمشهر، خیابان گلشن، کوچه گلزار، شماره ۲۰ برقرار است. هنرمندان بسیاری در این امر پسندیده سهمیده بودند. نام‌هایی چون داریوش مهرجویی، رضا کیانیان، هدیه تهرانی، نیکی کریمی، پارسا پیروزفر، حامد بهداد، پرویز نظریه، عزیز ساعتی، سیفالله صمدیان، مریم زندی و... همگی آثار تجسمی خود را به‌نفع کودکان تحت پوشش این بنیاد به حراج گذاشته‌اند. با شش نفر از این هنرمندان درباره چگونگی حضورشان در این نمایشگاه گپ زدم و از آنها پرسیدم که گمان می‌کنند این گردهمایی‌های خیرخواهانه چه اتفاق اجتماعی موثری را در بلندمدت رقم خواهد زد؟

داریوش مهرجویی ◀ کارگردان



اصولا هروقت که بتوانم با مراکز خیریه همکاری می‌کنم و هرگاه کمکی از دست من برنیاید، بی‌دریغ در خدمت این فعالیت‌های خیرخواهانه خواهم بود. این‌بار هم وقتی شنیدم که این رویداد به‌نفع کودکان و خیرخواهانه است و صرف بهبود وضعیت کودکان بی‌سپرست و نیازمند می‌شود، مشتاقانه عکسی در اختیار مسئول این نمایشگاه قرار دادم. اینگونه رویدادها مخصوصا اگر مثل این‌بار برای کودکان باشد، درهرحال اتفاق خوبی است که خوشحالم من نیز در آن سهمم بدم. به گمان من اگر فعالیت اینچنینی خیریه‌ها گسترش یابد و هنرمندان هم درحد توانشان برای جلب مردم به این خیریه‌ها کمک کنند، اتفاق مبارکی رخ می‌دهد. البته امیدوارم افرادی که توانایی مالی هم دارند از این اتفاقات استقبال کنند تا به مرور مبلغ چشمگیری برای این کودکان گردآوری شود. باخبر نیستم که تاثیر این اتفاق در بلندمدت چه خواهد بود چون پیشگو نیستم اما می‌دانم که در کوتاه‌مدت قطعاً تاثیر بسزایی خواهد داشت به‌شرط آنکه خوب سازماندهی شود تا هزینه‌ای که به‌دست می‌آید، به دست کودکان برسد و آن ظن و گمانی که اصلا درباره مسایل مالی وجود دارد، در اینجور اتفاق‌ها، روشن و شفاف باشد تا ظن و گمان‌های احتمالی هم از بین برود.

مریم زندی ◀ عکاس



به‌رحال چون در این نمایشگاه موضوع کمک به کودکان مطرح شد و سرانجامش کمک به یک انجمنی است که به کودکان کمک می‌کند حتما اتفاق مبارکی است. خود من اگر در این نمایشگاه سهمم شدم هدفم این بود که به کودکی کمک کرده باشم. در همه دنیا هنرمندان در اینجور رویدادها حضور دارند. اما این حضور اثر موقت دارد. اینجور ان‌جی‌وها به نظرم باید از نظر دولتی هم پشتیبانی بشوند و پشتوانه‌های بزرگی داشته باشند، اگر فقط بناباشد که هنرمندان کمک کنند، قطعاً تاثیر چشمگیری نیست و این اتفاق‌ها اتفاق‌هایی می‌شوند که موقتا تاثیر خوبی دارند اما نمی‌دانم در بلندمدت هم تاثیر چندانی دارند یا نه. هنرمندان وظیفه و کارشان چیز دیگری است و این کمک‌ها تنها یک مراهم موقت و گاهگاهی است. باید اینجور انجمن‌ها فکر اساسی‌تری بکنند و اسپانسرها و پشتوانه‌های بزرگ‌تری داشته باشند تا بتوانند تاثیرات چشمگیری هم داشته باشند.

محمدعلی سجادی ◀ کارگردان



«کودکم/ بابادکم/ کو باد و کو آسمان؟!»، جایی، بنیادی به کودکان می‌پردازد. چقدر خوب! آن هم در دورانی که کودکان ما، پیر پیران، حریف زندگی می‌شوند. هر چند ما پیرانی داریم که هنوز کودکند و کودکان را می‌فهمند. من هم دوست دارم تا دم مرگ چنین باشم. پناه به رنگ و قلم‌مو و... در کنار شعر و داستان و سینما خود، از کودکی بشر می‌گویم و من هم در این رود شنا می‌کنم. شنا خواهم کرد. وقتی از من خواستند تا تابلویی بدهم، مانده بودم چه و کدام؟ از میان کارهایم تابلوی «آشوب تهمنه» را از سری داستان‌های رستم، کارهای در دست انجام را دادم که مربوط به مجموعه اساطیر ایران است. در کنار «سایوش و جمشیدشاه» که در حال کارش هستم، قرار است، اگر عمری بود، کل مجموعه اساطیر ایرانی و باستانی‌مان را به تصویر بکشم، چه روی بوم و چه در سینما. خوشحال شدم که در کنار دوستان و همکاران هنرمند من هم سهم کوچکی دارم برای این اتفاق خوب. هرچند ما نیز، چون این کودکان، چشم به دست و یاری مهربانان دیگر داریم.

پریوش نظریه ◀ بازیگر و عکاس



برای حضور در این نمایشگاه با من تماس گرفته شد و از من خواستند که نمونه‌ای از علاقه‌مندی دیگری که دارم و هنر دومی که دنبال می‌کنم را برای این نمایشگاه در اختیار بنیاد کودک قرار دهم. من که از سال ۷۸ به‌طور پیوسته در کنار بازیگری به عکاسی نیز پرداخته‌ام، برای این نمایشگاه هم یکی از عکس‌هایم را در اختیار بنیاد کودک گذاشتم. هدفم که مشخصا کمک به کودکان بود؛ کودکانی که تحت پوشش بنیاد کودکند و طبیعتاً نیازمند کمک هستند. اما درباره این پرسش که اینگونه رویدادها چه پیامد اجتماعی‌ای را در پی دارد باید بگویم که یکی از مشخصه‌های افرادی که بازیگر یا کارگردانند و در کل دستی در هنر دارند این است که مردم به کارهایشان توجه بیشتری نشان می‌دهند و در نتیجه این افراد اثرگذاری بیشتری هم دارند. بنابراین اگر روی هر کاری دست بگذارند آن کار مورد توجه ویژه‌ای از سوی مردم قرار می‌گیرد. پس اگر هنرمندان بخواهند با استفاده از اعتبار هنری‌شان اثرگذاری مثبتی بر جامعه داشته باشند، یکی از کارهایی که می‌توانند در آن سهم شوند همین کارهای خیریه است که آنها را تشویق می‌کند تا آنها هم در این فعالیت‌های خیرخواهانه شرکت کنند و نهایتاً سبب جلب اعتماد مردم به رویدادهای خیریه و انجمن‌های خیریه خواهد شد.

آهو خردمند ◀ بازیگر



با بنیاد کودک از قبل آشنا بودم و وقتی از این خیریه به من تماس گرفته شد و از من خواستند اگر اثر تجسمی‌ای دارم در اختیارشان قرار بدهم من تصمیم گرفتم که یک نقاشی و یک پرتره عکاسی را خواهم نیکو را در اختیارشان بگذارم. در صحبتی که با یکی از مسئولان بنیاد داشتم، آنها می‌گفتند که بچه‌های سیستم و بیلوچستان فقط الان به آب آشامیدنی احتیاج دارند. هرگز نمی‌دانستم محرومیت بعضی از این بچه‌ها تا این درجه است. با اینکه دولت هم رسیدگی اندکی به وضعیت این بچه‌ها می‌کند اما همین سازمان‌های خیریه و نهادهای مردمی قطعاً اثرگذاری بهتری دارند و وظیفه کمک‌تک ماست که کمک کنیم و در اینطور رویدادها سهمم باشیم. تاثیری که این دست از اتفاقات بر جامعه خواهد گذاشت همین است که وقتی هنرمندان پیشقدم می‌شوند و کمک می‌کنند مردم هم تحرک می‌شوند که کمک کنند، پس به مرور سازمان‌ها و خیریه‌های اینچنینی جا می‌افتند و شناخته می‌شوند و مردم هم به این سازمان‌ها و نهادهای اعتماد می‌کنند و به‌مرور گرایش مردم به فعالیت‌های خیریه بیشتر می‌شود. کودکان سرمایه‌های آینده‌اند. با اینکه این جملهای کلیشه‌ای است اما واقعیت را بخوبی بیان می‌کند. باید به کودکان بی‌سپرست کمک کنیم تا در آینده جامعه‌ای بهتر داشته باشیم.

سیف‌الله محمدیان ◀ عکاس



اولا هر دورهم‌جمع‌شدنی در کشور ما اتفاق مبارکی است به‌ویژه اگر دو طرف این تجمع هنرمندان باشند چون متأسفانه در شکل‌های انجمنی و تجمع‌های بزرگ‌تر، سابقه خوش و شیرینی نداریم و تا دیر نشده یابد باهم‌بودن را یاد بگیریم تا ببینیم که چقدر شیرینی‌های هم‌بودن را از خودمان دریغ کرده‌ایم. طبیعتاً وقتی چنین برنامه‌هایی پیش می‌آید خود من با یک امیدوی جلود می‌باشم با اینکه متأسفانه درگیری‌هایم تعدادشان خیلی از بله‌هایی که به این دورهم‌جمع‌شدن‌ها می‌دهم بیشتر است. این‌بار از طریق «اسعد نیک‌ذات» عزیز در جریان این حراج خیریه قرار گرفتم و مطمئن شدم که یک حرکت ریشه‌دار و جدی و برنامه‌ریزی‌شده‌ای هست چون در مواردی مشابه چندین بار متأسفانه جواب مساعد و مناسبی نگرفته بودم کمی بدبین بودم، اما این‌بار مطمئن بودم که اتفاقی شباهد به حال رخ دادن است. حسن بزرگ این نمایشگاه در کنار هم قرار گرفتن عکاسان و سینماگران عکاس و نقاش است. اگر خاطراتمان باشد در سال‌های قبل یک سوءتفاهم ناشی‌ولی اجراشدنی بین برخی از عکاسان و بازیگران عکاس پیش آمده بود که با حرکت‌هایی نظیر همین نمایشگاه به این واقعیت شیرین می‌رسیم که هیچ هنری به‌ویژه از زمینه هنرهای تصویری مختص گروه خاصی نیست و جذابیت و حتی حقیقت این هنرها در آن است که چندوجهی بودن یک هنرمند، ارزش و عمق کاری او را بیشتر می‌کند. همنشینی کلمه کودک با عکاس حاصل جمع غرورآفرینی دارد. ما عکاسان برای رسیدن به تنوع و تازگی در آثارمان باید همیشه همانند یک کودک که جهان اطرافمان نگاه کنیم. نگاهی که پر از شگفتی، تنوع و تازگی است. یک عکاس برای برهیز از دچار شدن به «روزمرگی در نگاه» باید تازگی نگاه خود را همانند یک کودک و مسافری که وارد شهر غریبی می‌شود حفظ کند و در این صورت است که عکس‌هایش به یک ماندگاری غرورآلود می‌رسد. امید آن می‌رود که نمایشگاه‌های اینچنینی بتوانند برای کودکان بی‌سپرست و باسپرست، منشأ گشودن افق‌های تازه‌ای از فرهنگ تصویری باشند.

درام‌های تلفنی

هر جور دوست‌داری فکر کن



سوسن مقصودلو

● شنیدم نویسنده مورد علاقه‌ات بود؟
- آره؛ بین نویسنده‌های ترک؛ بیشتر از همه به او علاقه داشتم.
- حالا که به رحمت خدا رفته می‌خوام به خاطره برات تعریف کنم
- راجع به همین نویسنده؟
- آره. قضیه مال سال‌ها پیشه.
- لابد من و تو، توی قنداق بودیم.
- دقیقاً. پدرم تعریف می‌کرد سال‌ها پیش که مرتب نوشته‌های ایشان ترجمه می‌شد و خیلی خواننده داشت؛ مترجم کاراش...

- آقای الف را می‌گویی؟
- بعله آقای الف به یک بابایی مبلغی پول بدهکار بود.
- خب؟
- هروقت اون بابا آقای الف را می‌دید سراف پولش را می‌گرفت. دفعه آخر آقای الف خودش زد به اون راه و گفت اصلاً آقا چه پولی چه کشکی...

- عجب!...
- طلبکار هم تصمیم به انتقام می‌گیرد. می‌شنوه که آقای الف دربر دنبال عکسی از نویسنده ترک می‌گرده برایش پیغام می‌فرسته که من این عکسو دارم.
- واقعا داشت؟

- قسمت جالب ماجرا همینه. آقای الف اینقدر هیجان‌زده میشه که نمی‌پرسه آخه تو عکس اونو از کجا آوردی. با شتاب میره که عکسو بگیره.
- طلبکار عکسو از کجا آورده بود؟

- عکس باجناقش بود. به خودش گفته سنگ مفت، گنجشک مفت یا متوجه کلکم میشه یا نه و من این‌طوری آبروشو می‌برم. تا اون باشه پول منو نخورم.
- خب؟

- هیچی دیگه عکسو میدید به آقای الف؛ اونم ندیده و نشناخته سال‌ها این عکسو پشت جلد کتاب‌های چاپ می‌کرده.
- شوخی می‌کنی؛ بعد چی شد؟
- به روز آقای الف از خیابون منوچهری رد می‌شد سینه‌به‌سینه باجناق بر خورد می‌کنه باجناقو رفته بود چهارراه استانبول ماهی بخرم.
- خدای من!

- آقای الف می‌بینه نویسنده مشهور ترک ماهی سفید به دست جلوش و ایستاده بیچاره نزدیک بود پس بیفته.
- خب بالاخره؟
- بالاخره قصه ما به سر رسید طلبکار به پولش نرسید.
- عجب داستانی. این ماجرا ثمره تخیلته نه؟
- هرچور دوست داری فکر کن. زنک زدم به کاری باهات داشتم؟
- امر بفرمایید.

- دو، سه‌ماه پیش به شعر بلند توی ماهنامه‌تون چاپ کرده بودین از یک شاعر اهل لیما؛ پایتخت کشور پرو. یادته؟
- آره. خانم ماگنولیا فریدا رامیرز.
- آفرین... من هر چی تو گوگل جست‌وجو کردم اثری ازش پیدا نکردم.
- واسه چی می‌خواوی؟
- خیلی از شعرش خوشم اومده. می‌خوام آثار دیگه‌اش را پیدا کنم.

- آثار دیگه‌اش در کنوی میز منه.
- یعنی چی؟
- آن شاعر اهل پرو خود منم.
- این ماجرا ثمره تخیلته نه؟
- هر جور دوست داری فکر کن.

پیشخوان

یاد بگیر ید مقاله بنویسد



● نام کتاب: مقاله‌نویسی
نام نویسنده: دکتر امیدعلی مسعودی
نام نشر: انتشارات سرای روزنامه‌نگاران
قیمت: ۶۵۰۰ تومان
تعداد صفحات: ۱۸۰ صفحه
دکتر امیدعلی مسعودی که عضو هیأت‌علمی دانشگاه سوره است تجربیات خود را از مقاله‌نویسی در مطبوعات ایران، با زبانی ساده‌بیان کرده است. در این کتاب مسعودی پس از معرفی ساختار یک مقاله شیوه نوشتن مقاله‌های مطبوعاتی و دانشگاهی را به علاقه‌مندان می‌آورد و سپس نمونه‌هایی از انواع سرمقاله، یادداشت، تحلیل و... را که طی این سال‌ها در مطبوعات و نشریات تخصصی دانشگاهی نوشته است، ارائه می‌کند تا خوانندگان کتاب به‌صورت عملی توانایی نوشتن انواع مقاله را بیابند. در سرفصل‌های مختلف این کتاب، همچنین تفاوت مقالات علمی و مطبوعاتی، مراحل نوشتن مقاله علمی و مطبوعاتی ذکر شده و همین‌طور به توضیح و تبیین انواع مقالات تحلیلی و مقالات نقد پرداخته شده است. این درسنامه مطبوعاتی و دانشگاهی توسط انتشارات سرای روزنامه‌نگاران ایران منتشر شده است و مطالعه آن برای علاقه‌مندان به فعالیت در عرصه مطبوعات ایران، خالی از لطف نیست.